

شاهکارهای ادبی کاشان. نثر؛ ۱

گزیده

مِصْبَاحُ الْهَدَايَةِ

و مِفْتَاحُ الْكِفَايَةِ

میرالدین محمود بن علی کاشانی

بازمقدمه

دکتر سید محمد باقر راستگو

به اهتمام

عباس اسلامی نژاد

سرشناسه	: اسلامی نژاد آرانی، عباس، ۱۳۳۵ -
عنوان قراردادی	: مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة. فارسی. برگزیده. شرح
عنوان و نام پدیدآور	: گزیده مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة/ عزالدین محمود بن علی کاشانی؛ به اهتمام عباس اسلامی نژاد؛ با مقدمه سید محمد راستگو.
مشخصات نشر	: کاشان: سوره تماشاء، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۲۲۴ ص.
فروست	: شاهکارهای ادبی کاشان. نشر: ۱.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۹۲-۶۷-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتاب حاضر شرح بخشی از کتاب «مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة» تألیف عزالدین کاشانی است.
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۶۹ - ۷۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: عزالدین کاشانی، محمود بن علی، - ۷۳۵ ق.. مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة--
	: نقد و تفسیر
موضوع	: تصوف -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع	: عرفان -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع	: نثر فارسی -- قرن ۸ق. -- تاریخ و نقد
شناسه افزوده	: را. دو، محمد، ۱۳۳۵ -، مقدمه نویسنده
شناسه افزوده	: عزالدین کاشانی، محمود بن علی، - ۷۳۵ ق. مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة. برگزیده. شرح
رده بندی کنگره	: ۱۳۱۶ - ۴۲۳۱ م ۴۴۰/۲۸۳ BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۸۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۸۶۹۰۱۹

انتشارات سوره تماشاء

گزیده مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة

عزالدین محمود بن علی کاشانی

به اهتمام: عباس اسلامی نژاد

با مقدمه: دکتر سید محمد راستگو

آماده سازی: سوره تماشاء

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۹۲-۶۷-۱

© حقوق چاپ و نشر محفوظ است

انتشارات سوره تماشاء: کاشان، صندوق پستی ۱۷۸۸، همراه ۰۹۱۳۲۷۶۳۶۶۸

فهرست

.....	اشاره	۸
.....	مقدمه دکتر راستگو	۱۰
.....	شرح حال عزالدین	۱۴
.....	جایگاه کتاب مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة در میان متون اسلامی - عرفانی	۱۹
.....	مقدمه کتاب توسط عزالدین	۲۳
.....	موضوع: تألیف و تعریف تصوف	۲۴
.....	سبب تألیف و نام و کتاب مؤلف	۲۴

باب اول: در بیان اعتقادات متصوفه

.....	فصل اول: در معنی اعتقاد و اتخاذ آن و تمسک به عقیده صحیح	۲۸
.....	فصل دوم: در توحید ذات و تنزه صفات	۲۹
.....	فصل سوم: در تحقیق اسماء و صفات	۳۱
.....	فصل چهارم: در آفریدن افعال بنددان	۳۲
.....	فصل پنجم: در کلام الهی	۳۳
.....	فصل ششم: در رؤیت	۳۵
.....	فصل هفتم: در ایمان به ملائکه و کتب و رسل الهی	۳۷
.....	فصل هشتم: در شهادت نبوت و ختم رسالت به محمد (ص)	۳۹
.....	فصل نهم: در ذکر اصحاب رسول	۴۱
.....	فصل دهم: در امور اخروی	۴۳

باب دوم: در بیان علوم

.....	فصل اول: در تعریف علم و مراتب آن	۴۶
.....	فصل دوم: در مآخذ علم	۴۷
.....	فصل سوم: در علم فریضت و فضیلت	۴۸
.....	فصل چهارم: در علم دراست و وراثت	۵۰
.....	فصل پنجم: در علوم قیام	۵۲

۵۴	فصل ششم: در علم حال
۵۶	فصل هفتم: در علم ضرورت
۵۷	فصل هشتم: در علم سخت
۵۸	فصل نهم: در علم یقین
۵۹	فصل دهم: در علم لذتی

باب سوم: در معارف

۶۲	فصل اول: در تعریف معرفت
۶۳	فصل دوم: در معرفت نفس
۶۴	فصل سوم: در معرفت بعضی از صفات نفس
۶۶	فصل چهارم: در کیفیت ارتباط معرفت الهی به معرفت نفس
۶۸	فصل پنجم: در معرفت روح
۶۹	فصل ششم: در معرفت دل
۷۱	فصل هفتم: در معرفت سر و عقل
۷۳	فصل هشتم: در معرفت خواطر
۷۵	فصل نهم: در معرفت مرید و مراد و سالک و مجذوب و این احتیاج مرید به مراد
۷۷	فصل دهم: در معرفت اخلاف احوال مردم

باب چهارم: در بعضی از اصطلاحات و بیان

۸۲	فصل اول: در بیان حال و مقام
۸۳	فصل دوم: در جمع و تفرقه
۸۴	فصل سوم: در تجلی و استتار
۸۶	فصل چهارم: در وجد و وجود
۸۸	فصل پنجم: در سکر و صحو
۸۹	فصل ششم: در وقت و نفس
۹۱	فصل هفتم: در شهود و غیبت
۹۳	فصل هشتم: در تجرید و تفرید
۹۵	فصل نهم: در محو و اثبات
۹۶	فصل دهم: در تلوین و تمکین

باب پنجم: در مستمسکات

۹۸	فصل اول: در معنی استحسان
۱۰۰	فصل دوم: در الباس خرقة
۱۰۳	فصل سوم: در اختیار خرقة ملون
۱۰۵	فصل چهارم: در اساس خانقاه و فایده آن
۱۰۷	فصل پنجم: در بیان رسوم اهل خانقاه و خصایص ایشان
۱۱۱	فصل ششم: در بیان خلوت
۱۱۳	فصل هفتم: در شرایط خلوت
۱۱۶	فصل هشتم: در بیان واقعات
۱۲۱	فصل نهم: در سماع
۱۲۳	فصل دهم: در آداب سماع

باب ششم: در آداب

۱۲۶	فصل اول: در بیان آداب
۱۲۸	فصل دوم: در آداب حضرت ربوبیت
۱۳۰	فصل سوم: در آداب حضرت رسالت (ص)
۱۳۲	فصل چهارم: در آداب مرید یا شیخ
۱۳۴	فصل پنجم: در آداب شیخی و فضیلت آن
۱۳۶	فصل ششم: در آداب صحبت و صلاح و فساد آن
۱۴۲	فصل هفتم: در آداب معیشت
۱۴۴	فصل هشتم: در آداب تجرد و تأهل
۱۴۵	فصل نهم: در آداب سفر
۱۴۶	فصل دهم: در آداب تعهدات نفس

باب هفتم: در بیان مقامات

۱۴۸	فصل اول: در توبیت
۱۵۰	فصل دوم: در ورع
۱۵۱	فصل سوم: در زهد
۱۵۳	فصل چهارم: در فقر
۱۵۵	فصل پنجم: در صبر

۱۵۷	فصل ششم: در شکر
۱۵۹	فصل هفتم: در خوف
۱۶۱	فصل هشتم: در رجا
۱۶۲	فصل نهم: در توکل
۱۶۳	فصل دهم: در رضا

باب هشتم: در بیان اموال

۱۶۶	فصل اول: در محبت
۱۶۹	فصل دوم: در رفق
۱۷۱	فصل سوم: در غررت
۱۷۳	فصل چهارم: در قرب
۱۷۴	فصل پنجم: در حیا
۱۷۵	فصل ششم: در انس و هیبت
۱۷۶	فصل هفتم: در قبض و بسط
۱۷۸	فصل هشتم: در فنا و بقا
۱۸۰	فصل نهم: در اتصال
۱۸۲	فصل دهم: در وصیت و خاتمت

پیوست

۱۸۴	فرهنگ لغات
۲۰۴	توضیحات اشخاص
۲۰۹	فهرست آیات قرآنی
۲۱۳	فهرست احادیث و عبارات عربی
۲۱۹	فهرست اشعار عربی
۲۲۰	منابع و مأخذ

مقدمه

بسم الحق

یکم:

گفته‌اند، و از یک دیدگاه درست گفته‌اند که: یکی از عوامل مهمّ عقب‌ماندگی ایران و دیگر کشورهای اسلامی، عرفان و تصوّف است و نفوذ آموزه‌ها و اندیشه‌ها و باورها و بینش‌ها و اخلاق و رفتارهای عارفانه و فایانه در میان آنان.

گفته‌اند: که مرشّ بن آموزه‌ها و باورها و بینش‌ها در میان مسلمانان و ایرانیان به ویژه پس از یورش و یغمای افول و انحلال و احوال نومیدکننده‌ای که پیامد آن بود، زمینه شد تا مردم هرچه بیشتر به خود فرو رو، انزوا و گوشه‌گیری پیش گیرند، بی‌خیال اوضاع و احوال اجتماعی، سیاسی و... گردند، کار به آنجا که حکومت و سیاست و... نداشته باشند، شانه از زیر بار مسئولیت‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی و... تهی سازند، دنیا و مسائل و تحولات زندگی دنیایی را به چیزی نگیرند؛ و... و پیداست که چنین شیوه و شعاری و چنین بینش و باوری، زمینه‌ای برای آباد کردن دنیا و آنچه امروزه توسعه و پیشرفت خوانده می‌شود، بر جای نمی‌گذارد و پیامدی جز عقب‌ماندگی ندارد.

آری، عرفان و تصوّف در عقب‌ماندگی مسلمانان و ایرانیان از کمال علم و تمدّن و صنعت بی‌اثر نبوده است، اما این تنها یک روی سکه است و همین یک روی را دیدن و بر بنیاد آن درباره‌ی عرفان و تصوّف داوری کردن و به این بهانه که زمینه‌ی عقب‌ماندگی ما شده، بدان تاختن و آن را طرد و نفی کردن، به هیچ روی پسندیده نیست؛ چراکه سکه‌ی عرفان و تصوّف جز این روی، روی دیگری نیز دارد و آن آثار بسیار ارجمند و نیکویی است که در فکر و فرهنگ و زیست و زندگی و رفتار و کردار ما داشته است و بیش از همه در ادبیات ما؛ ادبیاتی که بنیاد بسی از بینش و باورها و اخلاق و رفتارهای پیشینیان ما بوده است و در بهسازی دید و داوری و نگاه و نگرش و خلق و خوی آنان بسیار کارساز بوده است.

دوم:

آری، عرفان و تصوّف هر زبانی که داشته، این سود کلان را نیز داشته است که بزرگان و برجستگانی چون بایزید، بوسعید، خرقانی، سنایی، عطار، عین‌القضات، غزالی، شمس تبریزی،

مولوی، سعدی، حافظ، جامی و... به فرهنگ و ادب ما پیشکش کرده است. فرهیختگان برافراخته قامتی که سال‌هاست دانایان فرنگ، یعنی کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته را سخت شیفته‌ی خود ساخته و آنان را در برابر ژرفای اندیشه‌ها و ارجمندی آموزه‌های خود به شگفتی وا داشته. همانگونه که فرهنگ و ادب ما را به اوجی چنان برین و بهین رسانده که فرهنگ و ادب کمتر ملّتی می‌تواند با آن برابری کند و بدین‌گونه ما و فرهنگ ما را در سراسر جهان سرافرازی شایسته و بایسته‌ای بخشیده.

راستی اگر ما این بزرگان و برجستگان را که همه زاده و پرورده‌ی دامان عرفان و تصوفاند نداشتیم، امروز چه اندازه تهی‌دست و شرمسار می‌بودیم. آموزه‌های این فرهیختگان چنان اخلاقی و انسانی بود و فراتر از تنگناهای تعصب‌های مذهبی، ملّی، قومی و... که با پیشرفته‌ترین آموزه‌های حقوق بشری امروزه برابری می‌کند و چه بسا فراتر از آنها می‌نشیند.

همین آموزه‌های انرفی و انسانی بود که بسیاری از پیشینیان ما را به مهر و مروت و مدارا پرورده بود و به دوستی و مدارا، یاری و یآوری بار آورده بود، روح و روانشان را از عشق و عاطفه و ایثار سرشار کرده بود و در دامن و کینه‌توزی و آزار بیزار ساخته بود، چنانکه چه بسا شاهان و وزیران و دیگر اربابان زر و زور را که با مهر و مروت چندان آشنا نیستند، نیز هشدار می‌داد و آنان را از کشتن و آزار دادن کسانی باز می‌داشت، فرهنگی چنان دور از تعصب و چنان انسانی و اخلاقی که جنگ هفتاد و دو ساله را عذر می‌نهاد و می‌گفت: هر که درآید نانش دهید و از ایمانش نپرسید که آنکه خدا را به جانی آرزو، و الحسن را به نانی آرزو، فرهنگی که فریاد می‌زد: مباش در پی آزار و هر چه خواهی باش، فرهنگ پذیرایی که تابلوهای بی‌شماری از انسانی‌ترین و اخلاقی‌ترین صحنه‌ها را پدید آورده است. نمونه‌یی که فرشتگان را به ستایش آدمیزادگانی از این دست وا می‌دارند، فرهنگی که از سوی دیگر هزاران کتاب و رساله و نوشته و سروده، رهاورد داشته است که پاره‌ای از آنها از نگاه ژرفای اندیشه‌ی اوج تأملات روحی و روانی در فرهنگ بشری کمتر نمونه دارند.

سوم:

گفتنی است که صوفیان و عارفان سده‌های نخستین به دلایلی که اینک جایی بررسی آنها نیست، به نوشتن و ثبت و ضبط تجربه‌ها، تأملات و آموزه‌ها و اندیشه‌های خود چندان توجهی نداشتند و از اینجاست که از صوفیان آن روزگاران چیز چشمگیری به دست ما نرسیده است. از سده‌ی سوم به این سو است که کسانی کوشیدند تا احوال و اقوال و رفتار و گفتار عارفان را به دفتر آورند، چنانکه برخی از خود آنان نیز به نوشته‌های کوتاهی چون نامه‌ای، دستورالعملی، پاسخ به پرسشی روی آوردند تا آنکه دگرگونی‌های تاریخی، نیازهای زمانه و... دست به دست هم داد و عارفان و صوفیان سده‌های سپسین را به نوشتن و داشت و چه پدیده‌ی مبارکی بود. پیامد همین پدیده‌ی مبارک و پربرکت بود که رساله‌ها و کتاب‌های

بسیاری به نشر و نظم درباره‌ی تصوّف و عرفان و اخلاق و سلوک به دست این بزرگان پدید آمد و میراث بسیار بسیار ارجمندی را برای ما به جا نهاد، میراثی که بی‌گمان گرانبهاترین و پسنیدیده‌ترین میراثی است که از پیشینیان به ما رسیده است و ما را از این دیدگاه در میان همه‌ی فرهنگ‌ها سرفراز ساخته است.

این نوشته‌ها و سروده‌ها تا سده‌ی هفتم افزون بر اینکه از نکته‌ها و آموزه‌های نغز و تاب سرشارند، بیشتر زبانی ساده، بی‌چم و خم، پیراسته و گرم و گیرا دارند و در پی، ذهن و ضمیر خواننده و شنونده را شیفته و شکفته می‌سازند. برای نمونه باز نوشته‌های سخنان خرقانی، بوسعید، بایزید و نوشته‌های عطار در تذکرةالاولیاء، احمد غزالی در سوانح، محمد غزالی در کیمیای سعادت، عین‌القضات در نامه‌ها و تمهیدات، بهاء ولد در معارف، سمعانی در روح الارواح، مسر بریزی در مقالات، نجم رازی در مرصاد العباد، میبیدی در کشف‌الاسرار و

کم‌کم آثار نوشته‌های صوفیان با اثرپذیری از فضاهای ادبی و علمی و سبک و اسلوب نویسندگی زمانه روی به صنعتگرایی نهاد و با پاره‌ای از تکلفات و دشواری‌های ادبی و زبانی همراه شد و در پی، گرم و گیرایی پیشین را از دست داد و اینگونه نوشته‌ها را نیز مانند نوشته‌های فنی و مصوغ نارنجند شرح و توضیح ساخت.

چهارم:

یکی از کتاب‌های ارجمند بر جای ماند از صوفیان و عارفان پیشین، کتاب گران‌سنگ **مصباح الهدایة** است، نوشته‌ی صوفی بزرگ و دانشمند سده‌ی هشتم عزالدین محمود کاشانی، در گذشته ۷۳۵ هـ. ق. هم شهری و معاصر به سایر دیگر صوفی بزرگ و دانشمند کاشانی عبدالرزاق و برادر دانشمندش عبدالعزیز. **مصباح الهدایة** چنان که نویسنده در مقدمه یاد کرده، بازسازی و به روزرسانی کتاب **عوارف المعارف** است، از صوفی بزرگ و به نام شهاب‌الدین عمر سهروردی.

شاگردان و مریدان کاشانی بارها از او می‌خواهند تا کتاب عوارف را به بررسی برگرداند و او امروز و فردا می‌کند و سرانجام بر این می‌شود تا کتاب را ساخت و صورتی تازه دهد. در این ساخت و صورت تازه، کاشانی افزون بر اینکه بسیاری از بخش‌های عوارف را گزینش و گزارش می‌کند، نکته‌های بسیاری نیز از دیگران بر آن می‌افزاید. همانگونه که پاره‌ای از تجربه‌ها و تأملات خود را جای جای آن می‌آورد و بدین گونه کتاب را در ده فصل و صد باب با ساخت و صورتی تازه سامان می‌دهد، کتابی که از نظر شرح و گزارش مسائل و مقولات و اصطلاحات عرفان و اخلاق بسیار نکته‌سنجانه است و برای دوستداران اینگونه مباحث بسیار سودمند.

هرچند نثر کتاب و سبک نوشتاری آن تا اندازه‌ای سنگین است و گاه آمیخته با تصنع و تکلف‌های ادبی روا و رایج در آن روزگاران، و همین‌هاست که کتاب را به ویژه برای خوانندگان امروزی ناآشنا با آن سبک و سیاق‌ها، هم دشوار و دیریاب ساخته و هم نه چندان دلپذیر. کتاب را سال‌ها پیش (۱۳۲۵ش) استاد بسیاری‌دان جلال‌الدین همایی برای نخست بار تصحیح و تعلیق کرد و همراه با مقدمه‌ای بسیار عالمانه نشر داد و تحفه‌ای گرانبها و شایسته، پیشکش اهل فن و خواستاران اینگونه مباحث ساخت، تحفه‌ی ارجمندی که با همه‌ی ارزش‌ها و شایستگی‌هایی که دارد، برای خوانندگان نه چندان اهل و آشنای امروزی به ویژه جوانان، چندان دلپذیر نیست و همین دشواری خوانستار این است که برای امروزی کردن کتاب و گسترش خوانندگان و خواهانان آن، گام‌های دیگری برداشته شود و طرح‌های دیگر ریخته گردد.

یکی از این کارها می‌تواند از نویسی کتاب به زبان امروز از سوی نویسنده‌ی اهل و آشنا و خوش قلم باشد، و کار و تمام دیگر فراهم ساختن گزیده‌های سنجیده و آراسته و پیراسته‌ای از کتاب همراه با شرح و توضیح دشواری‌های آن و چه بهتر که این گزیده‌ها از بخش‌هایی از کتاب انجام گیرد که با زمانه و زندگی امروز ما هماهنگی بیشتری داشته باشد و در بهسازی اخلاق و رفتار و دید و دین و بینش و باور ما بیشتر به کار آید، کاری که جناب اسلامی نژاد که از دوستداران و پژوهندگان این وادی است، بدان همّت ورزیده‌اند و گزیده‌ای از بخش‌هایی از کتاب که بیشتر می‌پسندیده‌اند، فراهم ساختند و کوشیده‌اند تا واژگان دشوار، اصطلاحات خاص، آیات و احادیث و دیگر دشواری‌های آن را با افزودن توضیحاتی روشن سازند. امید که این کوشش شایسته‌ی ایشان، دوستداران اینگونه مباحث را آید و چراغی باشد فرا راه گسترش اخلاق و ایمان و عرفان و معنویت، به ویژه در روزگار بی‌آرامی که بازار اخلاق و معنویت سخت بی‌رونق شده و مروت و مدارا، مهر و مردمی، داد و ستد به خدش و فراموشی گراییده و دروغ و دغل، دورویی و ریا، فقر و فساد، عناد و بیداد و... زمانه و زندگی امروز را از چهارسو به سیاهی و تباهی کشانده است و در این سیاهی و تباهی چه اندازه نیازمند چراغیم و پنجره‌ای.

پس اگر به خانه‌ی من آمدمی برای من ای مهربان، چراغ بیاور و یک دریچه که از آن به ازدحام کوچه خوشبخت بنگرم. چنین باد و چنین تر.